

## تصمیمات دادگاهها

تصمیم دیوان کشور بر استواری

در مورد بیکه دیوان جنائی بنا بدرخواست و کیل متهم پیش از گذشتن

مهلت قانونی تشکیل جلسه مقدماتی داده

ماده ۲ قانون دادرسی جنائی مصوب ۱۳۰۹

نیست زیرا اخطار بمتهم و مهلت مقرر در ماده استنادی اصولاً از حقوق خاصه متهم بشمار میرود و چنانچه تخلفی از دستور مقرر بشود تأثیر آن منوط است بایراد متهم بر جریان قبل از ورود بماهیت دعوی و در این مورد که پس از احضار متهمه برای تعیین و کیل خود او در زیر احضار نامه و کیلی معرفی و در جلسه مقرر بوقیل انتخابی از طرف خود او مهلت قانونی داده شده و و کیل مزبور قبل از تشکیل جلسه رسیدگی مقدماتی کامل بودن پرونده را بدون داشتن ایراد و اعتراض بداد گاه اعلام داشته و فقط اخطار دادن مهلت بخود متهمه تا جلسه مقدماتی باو نرسیده بوده ما خود او و و کیلش برای رسیدگی در جلسه دادرسی علنی حاضر و بدون ایرادی وارد در دفاع از ماهیت قضیه شده تخلف و نقصان مقدماتی مزبور در مرحله فرجامی تأثیری در شکستن حکم نخواهد داشت (۰۰)

کسی بیزه قطع عضو کسی مورد تعقیب دادرسی شهرستان واقع شده و پس از بازجوئی دادستان باستناد ماده ۱۷۲ قانون کیفر ادعای نامہ بدیوان جنائی تقدیم مینماید. دیوان نامبرده پس از رسیدگی بزه انتسابی را محرز دانسته و او را طبق همان ماده بدو سال حبس مجرد محکوم می کند. دادستان استان و متهم فرجام خواسته اند و شنبه ۲ دیوان کشور در حکم شماره ۳۱۴۹ مورخ ۱۸/۱۲/۱۴ چنین رای داده است:

(اعتراض دادرسی استان بر حکم فرجام خواسته بخلاصه آنکه (قبل از رسیدن اخطار دادگاه بشخص متهمه راجع بمهلت مقرر برای ایرادات قانونی و نقص تحقیقات جلسه مقدماتی تشکیل و قرار کامل بودن پرونده صادر و منتهی برسیدگی و صدور حکم گردیده و این ترتیب مخالف دستور ماده ۲ از مواد مربوط بدادرسی جنائی مصوب ۱۳۰۹ میباشد) موجب شکستن حکم مزبور

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

راجع باینکه دادگاه با آنکه مبیع بتصرف مشتری شرط داده شده او را مستحق

استیفاء منافع ندانسته

توقیف کرده است و از دادگاه درخواست رفع توقیف و مطالبه خسارت نموده - دادگاه قرار رفع توقیف صادر و نسبت بخسارت چون معلوم نبوده که از کدام یک از خواندگان

کسی بدادگاه شهرستان تظلم می نماید که اتومبیلی از شخصی خریده و یک نفر بعنوان این که طلبی از فروشنده دارد اتومبیل او را بوسیله دادگاه

۱ دیوان کشور در حکم شماره ۵۰ مورخ ۱۹/۱/۱۱ چنین رای داده است:

« ملخص استدلال دادگاه اینکه سند مدرک پژوهش خواننده بیش از این حاکی نیست که اتومبیل بیع شرط بوده و در اینصورت مشارالیه مالک آن نبوده تا استحقاق مطالبه عواید آنرا داشته باشد و این استدلال در صورتی موجه است که عین مبیع بتصرف مشتری شرط داده نشود و چون در اینمورد سند مدرک کیه حاکی است از تصرف دادن مدیون اتومبیل را پژوهش خواننده و ظاهر است در اینکه عواید ماشین واگذار بمشارالیه شده بوده که بکار انداخته و استفاده نماید و این ترتیب مشارالیه استحقاق استیفاء منافع را داشته و میتواند از کسی که موجب تضییع منافع شده مطالبه نماید و دادگاه میبایستی بادر نظر گرفتن اعتراضاتیکه مدعی علیه بر خرابی و قابل استفاده نبودن اتومبیل داشته حکم مقتضی صادر نماید بنابراین حکم پژوهش خواسته از جهت عدم تمامیت استدلال و نقص در رسیدگی مطابق شق ۲ ماده ۵۵۹ آئین دادرسی شکسته میشود )

ها مطالبه دارد اظهار نظر ننموده - محکوم له دادخواست دیگری داده و مطالبه خسارت وارد از توقیف اتومبیل و هزینه دادرسی از کسی که درخواست توقیف داده کرده است - دادگاه غیاباخوانده را بپرداخت خسارت محکوم میسازد - محکوم علیه اعتراض کرده و دادگاه (باستناد اینکه مدیون از محکوم علیه اتومبیل را با تعهد پرداخت قطعی خریداری کرده و محکوم علیه نسبت بمباغی از بها دادخواست تامین داده و پس از تامین محکوم له با دعای مالکیت بموجب سند خیاری و معامله قطعی معترض شده و چون دلیلی بر علم محکوم علیه از معامله این دونفر ابراز نشده ) محکوم علیه را مسئول خسارت ندانسته و حکم کسبخته میشود و مستانف علیه محکوم بیبیطقی میگردد - دادگاه استان نسبت بکرایه محل توقیف و منع در آمداتومبیل از لحاظ اینکه اتومبیل بیع شرط بوده و مشتری شرط مالک نبوده است حکم را استوار میکند و نسبت بخسارت دادرسی حکم بمحکومیت مستانف میدهد - بر اثر فرجام خواهی محکوم علیه شعبه

تضمیم دیوان کشور بر شکستن

راجع باینکه دیوانجنائی در مورد متهمی که بیش از ۱۸ سال داشته قرار عدم صلاحیت داده

ماده ۳۷ قانون کیفر و ماده ۴۰۸ آئین دادرسی کیفری

باتهام متهمه صلاحیت داشته و امتناع آن دادگاه از رسیدگی بعنوان صلاحیت دادگاه جنحه بيمورد بوده) وارد است زیرا با اینکه بر حسب دعوای دادستان سن متهم متجاوز از ۱۸ سال معرفی شده و با ملاحظه ماده ۴۰۸ آئین دادرسی کیفری بر هر تقدیر رسیدگی باتهام او میبایست در دادگاه جنائی بعمل آید گرچه در پایان دادرسی معلوم شود که سن متهمه در موقع ارتکاب عمل انتسابی کمتر از ۱۸ سال تمام بوده است بنا بر این قرار فرجام خواسته مخالف اصول محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ آئین دادرسی مزبور باتفاق آراء شکسته میشود (...)

زنی باتهام سقط جنین مورد تعقیب داد سرای شهرستان واقع شده و ادعا نامه بدیوانجنائی تقدیم می گردد دیوان نامبرده (باستناد اینکه متهمه در بازجوئی های مقدماتی سن خود را ۱۵ ساله گفته و شناسنامه او هم مشعر است و در نظر دادگاه نیز قیافه او همین حکایت را دارد) سن او در حین توجه اتهام کمتر از ۱۸ تشخیص داده و قرار عدم صلاحیت صادر میکند - دادستان استان فرجام خواسته و شعبه (۲) دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم شماره ۴ مورخ ۴/۱۹/۱۹ چنین رای داده است: «اعتراض دادستان استان برقرار فرجام خواسته نتیجه آنکه (در هر حال دادگاه جنائی برای رسیدگی

## تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه وقت رسیدگی پژوهشی بشخص متهم اعلام نشده

## ماده ۴۵۲ آئین دادرسی کیفری

منتهی بصدور حکم شده بوسیله احضار نامه اعلام وقت مزبور بشخص پژوهشخواه مقرر شده ولی برك احضاریه که بایستی طبق قواعد احضار در امور حقوقی رفتار شود تبلیغ نشده و مأمور ابلاغ در روی آن احضاریه فقط ابلاغ آنرا بمنزلی که محل اقامت پژوهشخواه در تهران معرفی شده بوده قید کرده بدون اینکه چگونگی تبلیغ را در آن قید کرده باشد در صورتیکه بر حسب قواعد احضار در امور حقوقی ابلاغ احضار نامه وقتی که بشخص احضار شده ممکن نباشد باید طبق دستوریکه در آئین دادرسی حقوق مقرر است (از قبیل دادن به کسان طرف وغیره) بنحو مخصوص بعمل آید و چگونگی ابلاغ هم مورد تصدیق مأمور واقع شود تا ابلاغ نامه قابل ترتیب اثر قانونی باشد و چون در اینمورد رعایت مراتب مزبور نشده و عدم رعایت آن از امور مؤثره در شکستن بشارمبرود لذا از اینجهت قطع نظراز ورود یا عدم ورود اعتراضهای دیگر وکیل فرجامخواه راجع باصل قضیه حکم فرجامخواسته مخالف اصول محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ آئین دادرسی کیفری باتفاق آراء شکسته میشود»

کسی بتهام صدور چند فقره چك بدون محل مورد تعقیب دادرسی شهرستان واقع شده و دادستان شهرستان با تطبیق با مواد ۲۳۸ و ۲۳۸ مکرر قانون کیفر ادعای نامه بدادگاه جنحه تقدیم می کند دادگاه جنحه غیاباً او را بششماه حبس تأدیبی و مبلغی کیفر نقدی محکوم میکند و در رسیدگی حضوری نیز حکم استوار میشود - وکیل متهم و دادستان شهرستان پژوهش خواسته اند دیوان کیفر (جانشین دادگاه استان) حکم را گسیخته و متهم بششماه حبس و مبلغ کمتری کیفر نقدی محکوم میگردد - بر اثر فرجام خواهی وکیل محکوم علیه شعبه (۲) دیوان کشور در حکم شماره ۴۴ مورخ ۱۰/۱۱/۱۹۱۰ چنین رای داده است :

« یکفقره از اعتراضهای وکیل فرجامخواه دایر باینکه در تبلیغ اظهارنامه رسیدگی پژوهشی به پژوهش خواهر رعایت مقررات قانونی نشده نتیجه وارداست چه طبق ماده ۴۵۲ آئین دادرسی کیفری اعلام وقت رسیدگی پژوهشی بشخص پژوهشخواه لازم است و بدیهی است اعلام هم بایستی مطابق مقررات راجعه به تبلیغ احضار نامها بعمل آید و در اینموضوع بر حسب دلالت بر گهای مربوط برای رسیدگی پژوهش در آخرین جاسه که

## تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه دعوی اعتراض بنیت کسی را وازده

## ماده ۱۶ قانون ثبت و ماده ۳۵ قانون مدنی

بپلاک شماره ۵ فرعی قریه ای اعتراض نموده - دادگاه پس از رسیدگی مالکیت خواهانرا نسبت بقسمتی از خواسته محرز دیده و تصرفات فعلی شوهر (خوانده) را

کسی در دادگاه بخش بر درخواست ثبت زن و شوهری نسبت بسه دانگ مشاع یکقطعه زمین و باغچه متصل بان پلاک شماره ۱ فرعی و شش دانگ قطعه زمین

قانونی ندانسته و درخواست ثبت ادرا نسبت بپلاک فرعی شماره ۵ قریه محکوم ببطالان مینماید و نسبت بزین (خواننده دیگر) از لحاظ اینکه در هیچیک از مدارک نامی از مشارالیهها برده نشده و گواهان هم بر غاصبیت ید او گواهی نداده از آن گذشته متصرف هم میباشد دعوی خواهانرا وامیزند - طرفین از محکومیت خود پژوهش خواستهاند - دادگاه شهرستان نسبت بشکایت خواننده محکوم علیه (از لحاظ اینکه پژوهشخواه يك نسخه از اعلان ثبت ابراز داشته که در شماره ۵ فرعی درخواست کننده ثبت شدانك بقطع زمین زن اوقید شده) صدور حکم بر محکومیت او را نسبت بششدانك مزبور بیهووقع دانسته و پس از گسیختن حکم دعوی پژوهشخواننده را وازده و نسبت بقسمت دیگر حکم استوار میشود - بر اثر فرجام خواهی محکوم علیه شعبه (۳) دیوان کشور در حکم شماره ۲۱ مورخ ۱۶/۱۱/۱۹۶۱ چنین رای داده است «اولا راجع بقرار عدم توجه دعوی چون فرجام خواه بثبت شدانك زمین پلاک شماره ۵ و ۳ دانك پلاک شماره ۱ با عطف نظر بآگهی آنها اعتراض نموده و خواننده و زوجه اش را طرف دعوی قرار داده که هر دو درخواست کننده ثبت بوده اند لذا مجرد اشتباه محترض

در شرح دادخواست بتوجه دعوی در قسمت مورد تقاضای زوج بزوجه و در قسمت دیگر بالعکس موجب بطلان و رد دعوی نمیشود و از طرف شوهر هم در مرحله بدوی ایراد عدم توجه دعوی نشده و بلکه در ماهیت دعوی دفاع نموده است بنابراین قرار صادر از دادگاه استان بيمورد و مخدوش بوده و باتفاق آراء بموجب ماده ۵۶۲ قانون آئین دادرسی مدنی شکسته میشود و ثانیاً نسبت بزین چون مطلعین محل با گواهی بمالکیت فرجام خواه تصرفات شوهر را در هر دو قطعه غصبی دانسته اند چون فرجام خواه او را بمناسبت زوجیت در ششدانك مورد اعتراض متصرف معرفی کرده و باین فرض مشارالیه در قسمت مربوط بزینش جانشین او محسوب میشود لذا لازم بوده است که دادگاه با توجه باین نکته گواهی گواهان محلی و سایر دلایل معترض را مورد نظر قرار دهد و چون دادگاه بدون توجه باین امر با استناد اینکه گواهان هیچیک بغاصبیت زن گواهی نداده اند اعتراض فرجام خواه را نسبت بمشارالیهها باطل دانسته و دادگاه استان هم بدون توجه و رسیدگی حکم بدوی را استوار نموده است لذا حکم مورد شکایت فرجامی باتفاق آراء به موجب ماده فوق الذکر شکسته میشود»

در شرح دادخواست بتوجه دعوی در قسمت مورد تقاضای زوج بزوجه و در قسمت دیگر بالعکس موجب بطلان و رد دعوی نمیشود و از طرف شوهر هم در مرحله بدوی ایراد عدم توجه دعوی نشده و بلکه در ماهیت دعوی دفاع نموده است بنابراین قرار صادر از دادگاه استان بيمورد و مخدوش بوده و باتفاق آراء بموجب ماده ۵۶۲ قانون آئین دادرسی مدنی شکسته میشود و ثانیاً نسبت بزین چون مطلعین محل با گواهی بمالکیت فرجام خواه تصرفات شوهر را در هر دو قطعه غصبی دانسته اند چون فرجام خواه او را بمناسبت زوجیت در ششدانك مورد اعتراض متصرف معرفی کرده و باین فرض مشارالیه در قسمت مربوط بزینش جانشین او محسوب میشود لذا لازم بوده است که دادگاه با توجه باین نکته گواهی گواهان محلی و سایر دلایل معترض را مورد نظر قرار دهد و چون دادگاه بدون توجه و رسیدگی حکم بدوی را استوار نموده است لذا حکم مورد شکایت فرجامی باتفاق آراء به موجب ماده فوق الذکر شکسته میشود»

پرتال جامع علوم انسانی